



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲ مهر ۱۳۹۱

مصادف با: ۶ ذی القعدة ۱۴۳۳

جلسه: ۳

موضوع کلی: موضوع علم اصول

موضوع جزئی: بررسی نظر صاحب فصول

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم درباره موضوع علم اصول نظریات مختلفی بیان شده، نظر اول نظر مشهور بود که مورد اشکال قرار گرفت. نظر دوم نظر صاحب فصول بود، البته مرحوم نراقی هم معتقد به این نظر هستند و می‌توان گفت که مرحوم شیخ هم تا حدودی به این نظریه متمایل است و آن اینکه موضوع علم اصول ذوات الأدلة الأربعة یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل است. عرض شد که این نظر از ناحیه مرحوم آخوند مورد اشکال واقع شده است. محصل اشکال مرحوم آخوند^۱ به صاحب فصول این شد که درست است نظر مشهور مبتلا به اشکال است و اشکال شما به مشهور وارد است ولی راه حل مشکل این نیست که شما موضوع علم اصول را خود ادله اربعه قرار دهید برای اینکه یکی از ادله اربعه سنت است که اگر مراد از سنت، سنت محکیه یعنی نفس قول و فعل و تقریر معصوم باشد اشکالش این است که بحث از حجیت خبر واحد و بحث تعارض خبرین که از مسائل مهم علم اصول محسوب می‌شوند از دایره مسائل علم اصول خارج می‌شوند و اگر مراد از سنت معنای عامی باشد که هم سنت محکیه و هم سنت حاکیه را شامل شود یعنی هم خود قول و فعل و تقریر و هم خبر واحد که حاکی از قول و فعل و تقریر معصوم (ع) است مورد نظر باشد در این صورت درست است که اشکال قبلی وارد نیست اما اشکال دیگری وجود دارد و آن این که بسیاری از مباحث مثل مشتق، بحث از ظهور هیأت افعال و لاتفعل، بحث اجتماع امر و نهی و مقدمه واجب از دایره مسائل علم اصول خارج می‌شوند که این اشکال را تفصیلاً در جلسه گذشته مورد بررسی قرار دادیم.

عرض شد که ظاهراً این اشکال در ذهن شیخ انصاری بوده که به توجیه کلام صاحب فصول پرداخته یعنی گویا دفاعیه‌ای از صاحب فصول دارند که خود مرحوم آخوند این دفاعیه را نقل و به آن اشکال می‌کند.

دفاع شیخ از صاحب فصول:

مرحوم شیخ^۲ می‌فرماید: اگر بحث حجیت خبر واحد به این نحو که مد نظر شماست مطرح شود اشکال وارد است یعنی اگر ما در بحث از حجیت خبر واحد مسئله را این گونه تصویر کنیم که هل یكون خبر الواحد حجةً أم لا؟ آیا خبر واحد حجت است یا خیر اشکال وارد است یعنی نتیجه این بحث این است که در فرضی که ما سنت را سنت محکیه بدانیم بحث حجیت

۱. کفایة الاصول، ص ۹.

۲. فرائد الاصول، ج ۱، ص ۱۵۶.

خبر واحد از دائره مسائل علم اصول خارج می‌شود لذا مرحوم شیخ می‌گوید اصلاً موضوع بحث در مسئله خبر واحد قول الامام است نه خبر واحد. ما در مسئله حجیت خبر واحد در واقع این مسئله را مورد بررسی قرار می‌دهیم که قول الامام او فعل الامام او تقریر الامام هل یثبت بخبر الواحد اما لا؟ پس موضوع این مسئله هم خود سنت محکیه است نه خبر واحد. ما می‌گوییم آیا قول یا فعل یا تقریر امام به وسیله خبر واحد ثابت می‌شود یا خیر؟ که در این صورت اشکال مرحوم آخوند وارد نیست و بحث از حجیت خبر واحد از دائره مسائل علم اصول خارج نمی‌شود. گفتیم صاحب فصول می‌گوید موضوع علم اصول ادله اربعه است و یکی از ادله اربعه سنت است و سنت یعنی فعل و قول و تقریر معصوم و در مسئله حجیت خبر واحد موضوع، خبر واحد نیست بلکه موضوع، قول امام است و محمول این است که آیا قول امام به خبر واحد ثابت می‌شود یا نه؟ لذا بحث از حجیت خبر واحد بحث از ادله اربعه است و این بحث هم داخل در دائره مسائل علم اصول می‌باشد. البته شیخ (ره) این مطلب را در خصوص بحث حجیت خبر واحد گفته ولی بر همین قیاس می‌توان این پاسخ را در رابطه با بحث تعارض هم مطرح کرد. اشکال مرحوم آخوند این بود که بحث تعارض هم از دائره مسائل علم اصول خارج می‌شود ولی با این بیان معلوم می‌شود آن بحث هم در دائره مسائل علم اصول قرار می‌گیرد چون در تعارض خبرین در واقع بحث این است که قول الامام یثبت بأی الخبرین؟ قول امام به کدام یک از دو خبر متعارض ثابت می‌شود. آنچه ذکر شد دفاعیه‌ای است که مرحوم شیخ از صاحب فصول دارند که به نوعی مسئله حجیت خبر واحد و مسئله تعارض خبرین که از مسائل علم اصول است را داخل در دائره مسائل علم اصول می‌دانند و از علم اصول خارج نمی‌شوند. البته این دفاع در مورد فرض اول که ما سنت را سنت محکیه بدانیم جریان دارد و الا اگر ما سنت را شامل سنت محکیه و حاکیه بدانیم این دفاعیه معنی ندارد. شایان ذکر است که مرحوم آخوند متأخر از شیخ بوده و این گونه نبوده که شیخ به مرحوم آخوند پاسخ دهد بلکه این اشکال در ذهن مرحوم شیخ بوده و به نحوی که بیان شد دفاع کرده و گویا مرحوم آخوند از این پاسخ قانع نشده لذا مرحوم آخوند به مرحوم شیخ اشکال می‌کند.

پاسخ مرحوم آخوند از دفاعیه مرحوم شیخ:

ایشان می‌فرماید شما که مسئله حجیت خبر واحد را به این نحو تقریر کردید که قول الامام هل یثبت بخبر الواحد ام لا، منظور شما از این ثبوت چیست؟ آیا ثبوت واقعی و حقیقی و تکوینی مورد نظر است یا ثبوت تعبدی؟ شما که می‌گویید قول امام با خبر زراره ثابت می‌شود منظور شما از ثبوت، ثبوت واقعی است یا تعبدی؟ ثبوت واقعی یعنی همان تحقق خارجی و تکوینی، وقتی گفته می‌شود قول امام به خبر واحد ثابت می‌شود یا نه بدین معنی است که آیا قول امام به خبر واحد محقق می‌شود یا نه؟ احتمال دوم اینکه منظور از ثبوت، ثبوت تعبدی باشد یعنی بنا گذاشتن بر ثبوت و تعبد یعنی بنا را بر این می‌گذاریم که قول امام ثابت و محقق است، وقتی زراره می‌گوید قال الصادق (ع): «صلوة الجمعة واجبة» ثبوت تعبدی قول امام به خبر زراره بدین معنی است که ما کاری نداریم امام به حسب واقع این مطلب را گفته یا نه لکن چون شخص ثقه این خبر را نقل کرده ما بنا را بر این می‌گذاریم که امام این را فرموده ولو اینکه از امام نشنیده‌ایم، اثر این بناگذاری و ثبوت تعبد این است که

ما به این قول ترتیب اثر می‌دهیم و بر طبق آن عمل می‌کنیم و نماز جمعه را بجا می‌آوریم. پس در کلام مرحوم شیخ که می‌فرماید قول امام به خبر زراره ثابت می‌شود یا نه دو احتمال وجود دارد؛ یکی اینکه منظور از این ثبوت، ثبوت واقعی باشد دیگر اینکه منظور از ثبوت، ثبوت تبعدی باشد. مرحوم آخوند می‌فرماید:

اگر منظور شیخ ثبوت واقعی و حقیقی باشد یعنی بحث از این باشد که قول امام با خبر زراره واقعاً ثابت می‌شود یا نه در این صورت دیگر بحث از خبر واحد بحث از عوارض نیست در حالی که می‌دانیم موضوع هر علمی چیزی است که در آن علم از عوارض ذاتیه آن چیز بحث می‌شود و اگر بحث از عوارض نبود داخل در مسائل علم اصول نیست.

توضیح مطلب از این قرار است که ما وقتی می‌توانیم بگوییم شیئی از عوارض شیء دیگر است که وجود آن شیء برای ما مسلم و مفروغ عنه باشد، مثلاً وقتی می‌توانیم بگوییم زید قائم است که وجود زید برای ما مسلم باشد و الا نمی‌توانیم زید را متصف به وصف قیام نماییم، وقتی می‌خواهیم از عوارض یک شیء بحث کنیم یعنی از قبیل مفاد کان ناقصه است مثل کان زید قائماً که اصل ثبوت زید مفروض است و وصف قیام برای آن ثابت می‌شود که در این صورت قیام عرض برای زید است، وقتی یک شیء از عوارض شیء دیگر شد باید شیء اول مفروض التحقق باشد تا بتواند از عوارض آن شیء باشد. مسائل یک علم از قبیل مفاد کان ناقصه است یعنی در یک علم وجود موضوع باید مفروغ عنه باشد تا در آن علم از عوارض آن موضوع بحث کنیم، وقتی می‌گوییم در یک علم از عوارض موضوع آن بحث می‌شود بدین معنی است که وجود موضوع در آن مسلم است و از وجود موضوع در آن علم بحث نمی‌شود. حال با توجه به این مطلب اگر مراد شیخ از ثبوت واقعی باشد در این صورت در واقع بحث از حجیت خبر واحد بحث از عوارض نیست، این طور نیست که قول امام ثابت شده باشد و حال ما بخواهیم از عوارض آن بحث کنیم چون می‌خواهیم ببینیم هل یثبت بخبر زراره یعنی هل یتحقق بخبر زراره که این از قبیل مفاد کان تامه است. در کان تامه می‌گوییم کان زید یعنی زید تحقق دارد، در کان تامه چیزی را برای چیزی ثابت نمی‌کنیم بلکه سخن از وجود یا عدم وجود آن چیز است، پس اگر منظور مرحوم شیخ از ثبوت، ثبوت واقعی باشد که آیا قول امام به خبر زراره ثابت می‌شود یا نه در این صورت بحث از حجیت خبر واحد، بحث از عوارض سنت یعنی قول امام نیست بلکه بحث از ثبوت قول امام است که آیا قول امام محقق شده یا خیر؟

اگر مراد از ثبوت، ثبوت تبعدی باشد یعنی بنا بر تحقق آن گذاشته شود ولو آنکه در واقع محقق نشده باشد در این صورت مشکل این است که وقتی گفته می‌شود قول الامام هل یثبت بخبر زراره یعنی هل یجب العمل علی طبق خبر زراره ام لا، این وجوب عمل علی طبق الخبر یا لزوم ترتیب اثر دادن به خبر از عوارض قول امام نیست بلکه از عوارض خود روایت و خبر است، وقتی می‌گوییم قول الامام هل یجب العمل علی طبق خبر زراره در این صورت قول امام کنار گذاشته می‌شود و بحث از وجوب عمل بر طبق خبر یا عدم وجوب عمل بر طبق خبر بحث از عوارض سنت به معنای قول الامام نیست بلکه بحث از عوارض خود خبر است پس در این صورت هم موضوع، قول امام نیست و قول امام کنار گذاشته می‌شود بلکه موضوع، خود خبر است که در این صورت اشکال برمی‌گردد که بحث از حجیت خبر واحد از مسائل علم اصول خارج خواهد بود چون

بحث از حجیت خبر واحد نه به کتاب مربوط است نه به سنت محکیه که قول امام باشد و نه به اجماع و نه عقل. نتیجه آن که دفاع مرحوم شیخ از صاحب فصول اشکال وارد بر ایشان را برطرف نمی‌کند و ما کماکان نمی‌توانیم موضوع علم اصول را ذوات الادلة الاربعة قرار دهیم.^۱

اشکال محقق اصفهانی به مرحوم آخوند:

اساس اشکال مرحوم آخوند به شیخ این بود که اگر منظور از ثبوت، ثبوت واقعی باشد در این صورت بحث از اینکه آیا قول امام به خبر زراره ثابت می‌شود یا نه از مسائل علم اصول خارج می‌شود، اشکالی هم در فرض ثبوت تعدی داشتند که ذکر آن گذشت. محقق اصفهانی به مرحوم آخوند اشکال می‌کند که این ثبوت واقعی به معنایی که شما گفتید منظور مرحوم شیخ نیست یعنی احتمال اول نمی‌تواند منظور مرحوم شیخ باشد، ثبوت واقعی قول امام به واسطه خبر به معنای تحقق خارجی و تکوینی نیست یعنی شیخ نمی‌خواهد بگوید قول و فعل و تقریر امام و سنت، خارجاً با خبر زراره ثابت می‌شود بلکه منظور این است که خبر واسطه در ثبوت سنت یا واسطه در اثبات آن است و هر کدام که باشد باعث نمی‌شود که بحث از خبر واحد از مسائل علم اصول خارج شود. محقق اصفهانی به مرحوم آخوند می‌گوید اصلاً مشکل این نیست که شما مطرح کردید که اگر ثبوت واقعی باشد بحث از حجیت خبر واحد از مسائل علم اصول نباشد بلکه ایشان می‌گوید اگر ثبوت واقعی مراد باشد چه ما خبر را واسطه در ثبوت بدانیم و چه واسطه در اثبات، بحث از حجیت خبر واحد داخل در علم اصول است. به نظر محقق اصفهانی مشکل اصلی این است که اصل اینکه ما سنت و قول امام را به واسطه خبر واحد ثابت بدانیم غیر معقول است و معنی ندارد که گفته شود قول الامام هل یثبت بخبر واحد ام لا. اگر منظور تحقق خارجی باشد خبر در سلسله علل سنت نیست، قول امام در زمان خودش تابع یک سری عوامل خارجی است، امام اراده کردند و شرائط را مهیا دیدند و چیزی را فرمودند، اینکه زراره بعداً چیزی را نقل کند در سلسله علل تحقق قول امام قرار نمی‌گیرد و حکایت یک شیء نمی‌تواند علت آن شیء باشد، پس خبر نمی‌تواند واسطه در ثبوت واقعی سنت باشد، از طرف دیگر خبر واسطه در اثبات سنت هم نمی‌تواند باشد برای اینکه خبر یعنی چیزی که محتمل الصدق و الکذب است، اگر خبر زراره به عنوان چیزی که محتمل الصدق و الکذب است در نظر گرفته شود معنی ندارد سنت به واسطه آن منکشف شود، انکشاف سنت واقعاً به واسطه خبر معقول نیست.

نتیجه فرمایش محقق اصفهانی این است که ثبوت واقعی سنت به واسطه خبر اساساً معقول نیست؛ به عبارت دیگر اشکال مرحوم آخوند به شیخ این بود که منظور از ثبوت، ثبوت واقعی باشد تالی فاسد آن خروج بعضی از مسائل از جمله بحث از حجیت خبر واحد از دائره مسائل علم اصول است. محقق اصفهانی به مرحوم آخوند اشکال می‌کند که چنین تالی فاسدی وجود ندارد و اشکال اصلی این است که اصلاً ثبوت واقعی قول امام به خبر زراره معقول نیست. پس محقق اصفهانی هم مثل مرحوم آخوند به صاحب فصول اشکال دارند و توجیه مرحوم شیخ را نپذیرفته و معتقد است ما نمی‌توانیم موضوع علم اصول

۱. کفایة الاصول، ص ۹.

را ذوات الادلة الاربعة قرار دهيم لکن اشکال محقق اصفهانی به مرحوم شيخ با اشکال مرحوم آخوند فرق می‌کند، ایشان می‌گویند راه اشکال به مرحوم شيخ آن گونه نیست که مرحوم آخوند فرموده که اگر ما ثبوت را به معنای ثبوت واقعی بدانیم بعضی مسائل علم اصول از دایره مسائل این علم خارج می‌شوند بلکه ما می‌توانیم ثبوت را به معنای ثبوت واقعی بدانیم و آن مسائل هم داخل در دایره مسائل باشند لکن اشکال این است که اصلاً ثبوت واقعی معقول نیست و اصلاً نمی‌شود قول امام به خبر زراره واقعاً ثابت شود، ایشان اشکال را فقط متوجه ثبوت واقعی دانسته و در مورد ثبوت تعبدی چیزی نفرموده است. نتیجه اینکه نظریه صاحب فصول در مجموع با توجه به اشکالاتی که ذکر شد قابل قبول نیست.

بحث جلسه آینده: نظریه مرحوم آخوند را انشاءالله در جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»